

عشق اینترنتی (Cyber Love)

محمدحسین امینی*

چکیده

از آنجا که یکی از بحث‌های جدی پیش روی دنیای امروز، مسئله رشد بی‌کرانه فناوری‌های ارتباطی است و سرمایه‌گذاران بسیار متمول این حوزه با بهره‌گیری کامل از قابلیت‌های فناوری دیجیتال، عملاً امکانات بسیار بدیع ارتباطی را بعضاً بدون لحاظ کردن مبانی هستی‌شناسی و بالطبع انسان‌شناسی و با هزینه‌های عمدتاً قابل تحمل و پرداخت، در دسترس نوع بشر قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد نقد و بررسی عقلایی «محصولات» این رویه تجاری - فرهنگی نوظهور، از جمله «عشق‌ها و عواطف انسانی شکل‌گیرنده در دنیای مجازی»، فراهم‌کننده فرصتی حیاتی باشد تا بشر امروز بتواند میان امکانات ارتباطی گوناگون، جذاب و متنوعی که لاجرم پیش روی او قرار گرفته است، به انتخابی «معرفت‌شناسانه» و «عقلایی» دست بزند و از آب گل‌آلود «تنوع‌گنج‌کننده امکان‌ها»، ماهی «انتخاب خردورزانه خوی» را صید کند. نوشتاری که پیش‌روست به شرح و توصیف پنج ویژگی مهم از پدیده «عشق اینترنتی» می‌پردازد و در خلال بحث، در دو بخش مجزای «نقد و نظر می‌کوشد دیدگاه‌های توصیه‌کنندگان و بهره‌وران این روش ارتباطی را با رویکرد «عقلی» نقد و بررسی کند.

* پژوهشگر

واژگان کلیدی: عشق اینترنتی، عشق، اینترنت، مجازی، ارتباط، شبکه جهانی

«عشق اینترنتی» پدیده‌ای انسانی و ارتباطاتی است که بالطبع بسترها و لوازم، مخاطبان و تاثیرپذیران، بهره‌وران و سرمایه‌گذاران و در نهایت پیامدهایی دارد که در مجموع در حوزه‌های بررسی فردی و اجتماعی قابل است. این پدیده از جوانب گوناگون «زیر گروه» محسوب می‌شود: از زاویه مفهوم «عشق»، زیرگروه غیر قابل انکاری از «دیگرخواهی و دلدادگی» است؛ از دید «اینترنتی» بودن، امروزه به زیرگروه ویژه و پرکاربرد از «استفاده از اینترنت» تبدیل شده است و از نگاه «مجازی» بودن، زیرگروه قابل مطالعه‌ای از وابستگی‌های مجازی‌ای است که از دیرباز با نام «عشق‌های مجازی» بررسی شده است.

«عشق اینترنتی» یا آنچه از عبارت «Cyber Love» در ذهن انسان غربی تداعی می‌شود، به نوعی زیرگروه «پدیده‌های برگرفته از فناوری اطلاعات» نیز به شمار می‌رود که چگونگی و پیامدهای آنها، هر کدام به طور مستقیم با پیشرفت و توسعه فناوری ارتباطات گونه‌گون می‌شود. با این نگاه، عشق اینترنتی حلقه‌ای از حلقه‌های متعدد پیشین خود از جمله «عشق‌های نامه‌ای» و «عشق‌های تلفنی» است. بر واضح است که از این دریچه، اینترنت، نامه، تلفن و ... نقش «ابزار ارتباط» را بازی می‌کنند و اصالت موضوع که با «عشق» است، «محفوظ» فرض شده است.

بی‌توجهی ذاتی به «تداوم» و «رشد»

این موضوعی قابل تصور است که اجزا و لوازم «عشق اینترنتی» ضامن تداوم یکدیگر نباشند، یعنی نه «اینترنتی بودن» ضامن رابطه عاشقانه گردد و نه «ارتباط عاشقانه»، ضمانتی بر «اینترنتی بودن» آن به دست دهد. به عبارت دیگر این امکان وجود دارد که «اینترنت» فاقد توانایی کافی برای ایجاد فضای عاشقانه میان طرفین، و یا از دیگر سو، «عشق»، فاقد توانایی لازم برای بهره‌برداری کامل از مجموعه امکانات ارتباطی شبکه جهانی اینترنت باشد. از نگاهی دیگر، «عشق اینترنتی» ملزم به «رشد و شکوفایی» نیست؛ یعنی مولفه‌هایی که رشد و شکوفایی یک رابطه عاطفی انسانی را سبب می‌شوند، از اجزای الزامی تشکیل دهنده «عشق اینترنتی» نیستند و اثر این گونه مولفه‌ها بر «عشق اینترنتی» عموماً «خارجی» است. «نیکولا دورینگ» در بخشی از نتیجه‌گیری از پژوهش «Studying Online-Love and Cyber-Romance» با چنین مضمونی به این مسئله اشاره کرده است:

عشق‌بازی Online الزاما خود را به سمت «ایجاد یک درک و تحول شخصی بهتر» سوق نمی‌دهد؛ بلکه «تمایلات و خلق و خویهای شخصی» به گونه‌ای مستقل از فناوری‌های رسانه‌ای، قاطعانه در آن نقش تعیین‌کننده‌ایفا می‌کنند.^۱

«عشق اینترنتی» پدیده‌ای «انسانی» است. شاخه‌های گوناگون علوم انسانی به پدیدارشناسی این مفهوم کمک می‌کنند. هر چهار عرصه «بزارها»، «مخاطبان»، «سرمایه‌گذاران» و «پیامدها» را می‌توان از دیدگاه «روان‌شناختی» و «جامعه‌شناختی» و حتی «عرفانی و فلسفی» نقد و بررسی کرد. در این مفهوم ترکیبی، نقش «عشق»، نقش عنصری دیرین، شناخته شده و «وابسته به فرهنگ و سن هر جامعه» است؛ حال آنکه نقش «اینترنت»، نقش نماینده‌ای از فضای نوین و مدرن جوامع بشری است و این دو نقش، ناخودآگاه ذهن آدمی را در بررسی این ترکیب، به سوی مباحث دامنه‌دار «سنت و مدرنیته» می‌کشاند.

خودتخریبی

۳۰۵

«عشق اینترنتی» ممکن است اجزای خود را دگرگون کند. طبیعی است اگر بتوان به عنوان مثال «اعتیاد به اینترنت» را رخدادی «شدنی» و «ممکن» تصور کرد، همزمانی «عشق اینترنتی» و «اعتیاد به اینترنت» نیز رخدادی «شدنی» خواهد بود و در این صورت، مسئله مهم این است که اگر «اعتیاد به اینترنت»، فی‌المثل بر «پایداری عشق» اثر بگذارد و «علل پیشامد عشق» که عوامل اصلی «ماندگاری» آن هستند، در «اینترنتی بودن» آن خلاصه شود، آیا آنچه در میان است، «عشق» است یا مفهوم دگرگون شده‌ای از عشق که متوقف بر ابزار ارتباطی شده است؟

«زندرا هاقس» در مقاله «اینترنت، دروغ‌پردازی و روابط عاشقانه»، ضمن اشاره به «گرفتاری برخی زندگی‌های زناشویی حقیقی در ورطه ارتباطات مبتنی بر شبکه جهانی» - که خود موضوعی قابل بررسی است - تلویحا اثر «اعتیاد به شبکه جهانی» بر عشق اینترنتی را مورد اشاره قرار می‌دهد:

و گاهی این ارتباط ساعت‌ها به طول می‌انجامد و هرگز هم موجب گمراهی آنها از ارتباط حقیقی (زندگی زناشویی) نمی‌شود؛ اما عده‌ای نیز حقیقتا گمراه می‌شوند و هرگز نمی‌توانند خود را از شبکه آشفته اینترنت رها کنند؛ نمی‌توانند معشوقه‌های جدید کامپیوتری خود را کنار زده و یا آنها را مهار کنند؛ برعکس آنها را بر روابط زندگی خود ترجیح می‌دهند.^۲

همانگونه که مشخص است، هاقس در این بخش از مقاله خویش، مشغول توضیح اثر «اعتیاد به اینترنت» بر روابط عاشقانه «حقیقی» انسانها است که از طریق پدیده «عشق اینترنتی» رخ می‌دهد؛ در نتیجه او در این بخش از نوشتار خویش، اثرگذاری «اعتیاد به اینترنت» را بر یکی از «پیامدهای» عشق اینترنتی (که همان متاثر شدن روابط خانوادگی حقیقی انسان است) مشخص می‌کند. طبیعی است غلبه «اینترنتی بودن» ارتباطات بر «عاشقانه بودن» آنها، بر کیفیت عشق (به عنوان یکی از اجزای این مفهوم ترکیبی) اثر مستقیم می‌گذارد.

زمینه‌ساز دگرباشی بی‌هدف

«عشق اینترنتی» همان‌طور که ذکر شد، از زیرشاخه‌های «عشق، دلدادگی و دیگرخواهی» است. به هر تقدیر بستگی‌های انسانی ناشی از این مقوله، غیر قابل چشم‌پوشی و انکار است. از طرفی مقوله عشق، مقوله‌ای است «طرفینی». به عبارتی همواره در عشق «هویت‌های مستقلی» موجودند که دیگرخواهی را تجربه می‌کنند. پر واضح است که هراندازه فاصله میان «درک یک طرف رابطه از طرف دیگر آن» و «هویت حقیقی آن فرد» وجود داشته باشد، ارزش و پایداری «دیگرخواهی» به همان میزان مخدوش خواهد شد.

در گزارش ۶ اکتبر ۲۰۰۳ بنگاه خبری بریتانیا (BBC)، اشلی بلیک - گزارشگر - در توصیف «مهم‌ترین خصلت فضای مجازی» می‌نویسد:

مهم‌ترین نکته در مورد فضای مجازی شبکه جهانی این است که شما می‌توانید همانی باشید که «می‌خواهید» باشید.^۲

با اندکی تأمل می‌توان بی‌برد که هیچ تضمینی وجود ندارد که این «توانایی» ناشی از امکانات شبکه جهانی، به افزایش فاصله فوق‌الذکر (میان درک یک طرف رابطه از دیگری و هویت حقیقی او) نینجامد. به عبارتی، عنصر «اعتبار» در عشق‌های اینترنتی، از این دید که احتمال حقیقی نبودن درک طرفینی در آنها بالا است، به شدت زیر سؤال می‌رود و مسلماً «اعتبار بخشی» به عشق‌های اینترنتی باید با توسل به رویه‌های «غیرمجازی» صورت پذیرد، که این خود نقص ابزار ارتباطی را به وضوح نشان می‌دهد.

تعامل هویت‌های ناامن

تصور کنید به بانکی خصوصی مراجعه کنید و بر اساس تبلیغات گسترده رسانه‌ای، تصور امنیت بسیار بالای تراکنش‌های آن بانک در ذهن شما شکل گرفته باشد. با چنین تصور

ایده آلی از امنیت، به باجه دریافت پول مراجعه می‌کنید تا بپرسید که برای برداشت پول باید چه مرحله‌ای را طی کرد. حال اگر پاسخ به پرسش شما صرفاً این باشد که «کافیست نام و نام خانوادگی خود را بگویید تا هر چقدر پول لازم دارید از حساب بانکی‌تان به شما داده شود»، چه حالی به شما دست می‌دهد؟ آیا به این فکر نمی‌افتید که بدین ترتیب «هر فرد دیگری» نیز خواهد توانست از حساب بانکی شما برداشت کند؟ آیا همه آنچه از «امنیت بالا» در تراکنش‌های آن بانک در ذهن‌تان داشتید، ناگهان فرو نمی‌ریزد؟

«عشق اینترنتی» در سراسر دنیا سرمایه‌گذاران و ابزارسازی دارد که شغل خود را «تجارتی سودمند» می‌دانند و البته با جدیت بر «امنیت و اعتبار» آن تاکید دارند. ولی با مراجعه به سایت‌ها و پورتال‌های قریب به اتفاق این کمپانی‌ها، نخستین نکته‌ای که بر انسان هویدا می‌شود این است که به رغم مدعای صاحبان این کمپانی‌های بزرگ، هیچ ضمانت فنی و حقوقی وجود ندارد که «اطلاعات ثبت نامی افراد» در سیستم‌های این تجمعات اینترنتی، «مطابق با واقع» باشد؛ به عبارتی هر فرد دیگری خواهد توانست خود را به جای شما معرفی کرده و اطلاعات شما را در هنگام ثبت نام به کار ببرد. حالا این او است که مشغول برقراری ارتباط است و شما باید که به سیستم معرفی شده اید! و این یعنی برداشت از حساب «شخصیت شما» بدون اینکه شما با خبر باشید...

امکان سوءاستفاده‌هایی از این دست موجب به خطر افتادن «هویت» کاربران می‌شود و مسلماً خدشه در عنصر هویت، «اعتبار عشق» را نیز به طور مستقیم تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد.

۳۰۷

عشق
آنلاین

نقد و نظر (۱)

پایگاه اینترنتی «the-online-dating-reviews.com»، در نوشتاری تبلیغی، مطالبی را با عنوان جوانب مثبت استفاده از ابزارهای نوین برقراری «عشق‌های اینترنتی»، با مضامینی از این دست مورد اشاره قرار می‌دهد:

الف. میلیون‌ها انسان مجرد، مخاطب شبکه‌های همسریابی اینترنتی هستند. مشخص است که افزایش روزافزون مخاطبان میلیونی این رسانه‌ها، «شانس موفقیت در یافتن شریک ایده‌آل» را افزایش داده است.

ب. سرویس‌های شریک‌یابی اینترنتی در رسته‌های بسیار متنوعی چون شریعت‌های مختلف، سنین مختلف، فیزیک‌های بدنی گوناگون، مشخصات جنسی مختلف و ... گسترده‌اند و

هر فرد می‌تواند در سرویسی عضو گردد که مجموعه‌ای از انسان‌ها با مشخصه‌های مشابه او در آن سرویس عضو هستند.

ج. این سرویس‌ها موجب می‌شود تا تکلیف بسیاری از مسائل «پیش از برقراری ارتباط» روشن شود؛ به عنوان مثال فردی که بر مذهب و شریعت خویش تاکید ویژه‌ای دارد، با قید این نکته در فرم مشخصات خود، خویش را از بحث کردن به جهت «تغییر دادن دیگری و عقایدش» پس از برقراری رابطه عاشقانه خلاص می‌کند.^۴

نقد و بررسی نظرات

نقد و بررسی مورد «الف» این گزاره که «افزایش مخاطبان این شبکه‌های ارتباطی» موجب «افزایش شانس موفقیت در یافتن شریک مناسب عاطفی» می‌گردد، گزاره‌ای تبلیغاتی است که به هیچ روی همه واقعیت را در بر نمی‌گیرد. گزاره صحیح آن است که «افزایش مخاطبان این شبکه‌های ارتباطی» موجب افزایش شانس «موفقیت و عدم موفقیت» در یافتن شریک مناسب عاطفی می‌گردد؛ بدین معنا که هیچ دلیلی وجود ندارد که افزایش تعداد مخاطبان، احتمال بدشانسی آوردن در انتخاب شریک را کاهش دهد. به همان نسبت که احتمال یافتن شریک مناسب رشد می‌کند، منطقی‌اً احتمال عدم یافتن شریک مناسب نیز رشد خواهد کرد؛ پس داشتن «مخاطب فراوان و میلیونی»، به تنهایی نمی‌تواند مزیت نسبی‌ای برای «روش اینترنتی عشق» در مقایسه با روش‌های دیگر آن باشد.

نقد و بررسی مورد «ب» یکی از فواید اساسی ارتباطات انسانی، کنش‌ها و برهم کنش‌های «سازنده» است که در هنگام ارتباطات و حتی گاه به شکل غیر ارادی رخ می‌دهد. بیابید فرض کنید شهرکی بسازیم که مطلقاً افراد سابقه‌دار و قاتل به دورن آن فرستاده شوند. چه تعامل «سازنده» ای میان این افراد رخ خواهد داد؟ آیا آنها اجتماعی «خود ترمیم» و «رو به رشد» خواهند ساخت؟ پر واضح است که حتی صدور مجوز تشکیل چنین اجتماعی نیز از سوی عقلا امری مردود و غیر قابل قبول است؛ در نتیجه بحث از «فراهم آمدن امکان تجمع افرادی که علاقه‌های مشابه دارند»، منهای بررسی اینکه «آن علاقه‌ها چیستند و چه ارزشی دارند»، مطلقاً نمی‌تواند دلیلی بر سودمندی این امکان باشد. چه دلیل منطقی‌ای وجود دارد که برای انسانی که به هزاران دلیل نامربوط، «فیزیک جسمانی» برایش حائز اهمیت شده است، امکانی فراهم کنیم تا با انسان‌هایی مانند خود، اجتماعی تشکیل دهند و اتفاقاً به مقوله «عشق» بپردازند؟! آیا بررسی رتبه اهمیت «فیزیک جسمانی» در مقوله «عشق» نباید در

فراهم کردن این امکان برای افراد مورد توجه قرار گیرد؟ به همین ترتیب آیا این بدین معنا نیست که مثلاً بگوییم علاقه‌مندان به «خیانت در عشق» نیز بیایند و در یک اجتماع ویژه‌ای گرد هم آیند و به «عشق و دلدادگی» بپردازند؟ آیا چنین امکان گروه‌بندی‌ای، منهای بررسی علت تشکیل اجتماعات و علاقه‌های آنها، حقیقتاً امتیازی برای «عشق اینترنتی» است؟ حال آنکه چه بسا مواجهه عاطفی انسانی که «فیزیک جسمانی» برایش مهم است، با انسانی که «برخورد اجتماعی نیکو» برایش حائز اهمیت اول است، موجب تعدیلی در هر دو فرد گردد که در نهایت نتایجی به سود اجتماع داشته باشد. به راستی «Localize» کردن انسان‌ها در گروه‌های مطالعه نشده چه آثار «اجتماعی» خواهد داشت؟

نقد و بررسی مورد «ج» فرضی را که در این مورد مد نظر قرار گرفته است الزاماً صحیح نیست. «بحث کردن به هدف تغییر دادن دیگران» چنانچه با مد نظر قرار دادن «عقل» و «مدارا» باشد، چه مشکلی دارد که باید از آن مشکل «خلاص» شد؟! چرا «عشق» نمی‌تواند محملی برای «به تفکر واداشتن فردی که مورد علاقه انسان است» باشد؟ این چه اصراری است که «عشق» را از بازی کردن نقش‌های مهمی که می‌تواند به عهده بگیرد منع می‌کنیم؟ شاید علاقه به یک انسان دیگر بتواند دریچه‌های جدیدی از حقایق را بر انسان بگشاید. در شرایطی که اغلب جریان‌های اجتماع‌ستیز و نامطلوب در سراسر جهان، به نوعی نتیجه «رواج نفرت و بدبینی» در میان نوع بشر هستند، اگر این رویه «خلاصی یافتن از بحث و مرادوه فکری» همه‌گیر شود، آیا خود را بابت «بی استفاده کنار نهادن ابزار قدرتمند عشق و محبت» در «نشر نگاه‌ها و افکار مثبت در دنیا» ملامت نخواهیم کرد؟

نیاز به عوامل خارجی

نمی‌توان انکار کرد که افرادی توانسته‌اند در آشنایی، عشق و ارتباط اینترنتی خود به موفقیت نسبی دست یابند. به عبارتی آنها از آغاز و انجام رابطه اینترنتی خود احساس رضایت می‌کنند و دچار پشیمانی نیستند؛ اما در این میان، نکته‌ای که جالب به نظر می‌رسد این است که با بررسی دقیق نقل‌های نوشتاری و گفتاری این افراد پیرامون عشق و رابطه اینترنتی‌شان، بر پژوهشگر روشن می‌گردد که عوامل اساسی این حس رضایت و موفقیت عواملی هستند که ناشی از «اینترنتی بودن» نیستند. به عبارتی حس رضایت ایجاد شده، محصول گردهمایی مجموعه‌ای از عناصر موثر بوده است که نه تنها هیچ‌کدام برگرفته از مجازی بودن فضای

ارتباط نیستند، بلکه به عنوان مددکاران خارجی به خدمت «عشق اینترنتی» درآمده‌اند و آن را به ساحل مطلوبی از رضایت طرفین رسانده‌اند.

در اینجا ذکر نوشتاری از یک مرد ایرانی پیرامون «آغاز و انجام عشق اینترنتی‌اش» خالی از لطف نیست. اگر محتوای این نوشتار به دقت مطالعه شود، گردهمایی عناصر خارجی و کمک کننده مذکور به وضوح مشاهده می‌گردد: (متن اصلی زبانی غیر رسمی داشته که در اینجا به زبان رسمی در آمده است.)

نامم امیر است، ۳۶ سال دارم و مدیر یک شرکت بازرگانی هستم. لازم است یادآوری کنم که هیچ گاه اهل و علاقه‌مند به چت کردن نبوده‌ام و صرفاً هر از گاهی به صورت تفریحی به چت روم‌ها سر می‌زدم. در یکی از این چت‌های تفننی با دختری به نام تانیا که اهل فدراسیون روسیه بود آشنا شدم. تقریباً از همه چیز و مفصل با هم صحبت کردیم. او عاشق فرهنگ و ادب ایران بود و علاقه زیادی به آن نشان می‌داد. شاید به همین دلیل احساس کردم که دوستدار و عاشق او شده‌ام. پس از اظهار علاقه و محبت، قرار گذاشتیم که او در قالب سفری به ایران بیاید تا بتوانیم رو در رو صحبت کنیم. به ایران آمدن او موجب افزایش علاقه میان ما شد و نهایتاً تصمیم گرفتیم به خانواده‌هایمان اطلاع بدهیم. پدر و مادر من ابتدا مخالفت کردند؛ ولی وقتی برای آنان روشن کردم که من و او واقعا به یکدیگر علاقه داریم و نیز خوب یکدیگر را می‌شناسیم، موفق شدم موافقتشان را جلب کنم. گمان می‌کنم دست آخر هم کاملاً راضی نبودند؛ اما به دلیل اینکه من تنها پسر خانواده بودم، موافقت کردند.

تانیا هم به پدر و مادر خود خبر داد و قرار شد ما به جهت آشنا شدن خانواده‌ها و انجام مراسم خواستگاری به روسیه برویم. وقتی خانواده‌هایمان با یکدیگر آشنا شدند، با ازدواج من و تانیا موافقت کردند. از طرفی تانیا نیز قبول کرد مسلمان شود و این مانع نیز برداشته شد؛ همچنین او به دلیل علاقه‌ای که به فرهنگ و ادب ایران داشت، با زندگی در ایران موافقت کرد و دست‌آخر در یک مسجد در روسیه مسلمان شد و یک عقد خصوصی میان ما برقرار شد. پس از بازگشت به ایران نیز عروسی مفصلی گرفتیم. حالا که قریب به ۴ سال از ازدواج ما می‌گذرد، تانیا دانشجوی سال آخر ادبیات فارسی دانشگاه تهران است و من نیز در کار خود بسیار موفق هستم و به دلیل درک مناسبی که از یکدیگر داریم، حس می‌کنم زندگی بسیار خوبی داریم.

گمان می‌کنم نکته حائز اهمیت این است که افراد باید پیش از این‌گونه ازدواج‌ها از یکدیگر شناخت کافی پیدا کنند و نباید به موفقیت یا عدم موفقیت «همه» این ازدواج‌ها حکم داد. چنانچه صداقت، به

قدر کافی توسط طرفین مورد استفاده قرار بگیرد، به عقیده من نیمه بیشتر راه یک ازدواج موفق طی شده است و بقیه آن ...^۵

با اندکی تدقیق در این نوشتار، موارد هفت‌گانه زیر را می‌توان به عنوان «مددکاران عشق اینترنتی» و عناصری که گرد هم آمدن آنها بیشترین نقش را در موفقیت این عشق بازی می‌کند به دست آورد:

۱. مشغول به کار بودن مرد (پیش از آشنایی و عشق)

۲. معتاد به چت و اینترنت نبودن مرد

۳. امکان عملی تبدیل شدن رابطه «مجازی» به رابطه «رو در رو» (امکان سفر طرفین و خانواده‌ها)

۴. تصمیم طرفین به اطلاع خانواده هایشان از آشنایی

۵. اعتماد خانواده‌ها به «شناخت حاصل شده ازسوی طرفین»

۶. وجود مهر و علاقه «کافی» و «آسیب ندیده» میان فرزندان (طرفین رابطه) و

خانواده‌هایشان (مسئله‌ای که در نوشتار با عنوان «تنها پسر خانواده بودن» مطرح شده است)

۷. بهره‌مندی «موثر» و «کافی» طرفین رابطه از عنصر «صداقت»

همان‌طور که مشخص است، وجود هیچ‌کدام از این هفت مورد، متوقف به «اینترنتی بودن»

رابطه نیست و اساساً «عشق مجازی» به تنهایی واجد قابلیت‌هایی که این موارد هفت‌گانه برای طرفین ایجاد کرده نیست.

شاید بتوان منطقاً نتیجه گرفت که موفقیت حاصل شده در این عشق را مطلقاً نمی‌توان به پای «عشق اینترنتی» نوشت؛ زیرا عملاً این موفقیت را همان عوامل مددکار هفت‌گانه سبب شده‌اند که وجود یا عدم وجود هیچ‌کدام آنها به «اینترنتی بودن» رابطه بر نمی‌گردد. بدین ترتیب همان‌طور که نویسنده نوشتار به طور مشخص اشاره کرده است، آنچه در نتیجه گردهمایی این عوامل به موفقیت انجامیده است، «ازدواج و زندگی زناشویی طرفین» است و ذکر این نوشتار در رسته «ازدواج و زندگی زناشویی موفق»، بسیار منطقی‌تر از قرار دادن آن در رسته «عشق‌های اینترنتی موفق» است.

نقد و نظر (۲)

آلیسا اسکای در نوشتار «فضای مجازی: دوره جدیدی از روابط جنسی»، مضامین زیر را در توصیف روابط عاطفی انسانی در تعامل با شبکه جهانی اینترنت بیان می‌دارد:^۶

۱. روابط شبکه‌ای، صرفاً برای انسان راه ارضای یک نیاز و یا معرفی یک هویتی را فراهم می‌کند که نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد آن را در عالم واقعیت برآورده سازد.
۲. روابط ناشی از تعامل شبکه‌ای، «بسیار آسان و ساده» و «با هویت‌های استعاری و ناشناخته» برقرار می‌شود که طبیعتاً امکان ایفای نقش‌های بسیار متنوعی را به فرد می‌دهد.
۳. روابط مجازی، امکان گفت و گوی «بی‌واهمه»، «غیر رو در رو» و «فارغ از هر گونه شرم و خجالت» را پیرامون موضوعات جنسی برای استفاده‌کنندگان آن فراهم می‌کند.
۴. رفع نیازهای ارضا نشده دیگری چون «چیرگی بر تنهایی»، «دور ماندن از آثاریک ارتباط ناخوشایند»، «رفع بی‌انگیزگی‌ها و خستگی‌ها» و «غلبه بر تنبلی» می‌تواند از انگیزه‌های گرایش به روابط شبکه‌ای باشد.
۵. به زعم بسیاری از کارشناسان، این گونه ارتباطات، پرکننده فاصله میان انسان‌ها در نقاط مختلف جهان است.
۶. در شرایطی که ایجاد روابط واقعی همچون اقدام برای خواستگاری به شیوه سنتی، بسیار پیچیده و سخت است، این مدل ارتباطی می‌تواند سریعاً پاسخگوی نیاز افراد باشد.

نقد و بررسی نظرها

نقد و بررسی مورد ۱: در اینجا «عدم توانایی» انسان در معرفی هویت مد نظر خویش و یا رفع نیاز ارتباطی خود از یک طرف و «عدم میل» آدمی به این معرفی یا رفع نیاز از طرف دیگر، به مثابه مشکلاتی ارزیابی شده است که نوع اینترنتی ارتباط، آنها را حل و فصل می‌کند. این بدین معنا است که اگر انسانی میلی به معرفی هویت خویش نداشت و یا بر معرفی آن به دیگران توانایی لازم را نداشت، در زندگی آن انسان مشکلی وجود دارد. در ضمن، این اظهار نظر دلالت بر این دارد که اگر فردی بر رفع نیازهای ارتباطی خود میل و رغبتی نداشت و یا بر آن توانا نبود، باز زندگی او دچار مسئله و مشکلی شده است. بدیهی است که تا اینجا، آنچه به عنوان مسئله و مشکل مطرح شده است، منطقی و معقول است؛ اما نکته حائز اهمیت این است که آیا اینترنتی کردن ارتباط، مشکل «عدم توانایی انسان در معرفی هویت خویش به صورت رو در رو» و یا «عدم توانایی او در ارضای نیازهای ارتباطی در دنیای واقعی» را حل و فصل خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد با مجازی شدن ارتباط، صرفاً «صورت مسئله» این مشکلات پاک می‌شود. اینکه یک انسان با استفاده از وسایل و امکانات دنیای مجازی بتواند چند صباحی مشکلات ارتباطی خود را و یا علت عدم میل به معرفی هویت خویش را به فراموشی بسپارد،

طبیعتا ممکن است به عنوان یک مسکن و داروی موقت روانی موثر باشد؛ اما مسلما قادر به حل این گونه مشکلات نیست. بنابراین از آنجا که هر «عدم تمایل» و یا «عدم توانایی» انسان قهرا دلایلی دارد، بررسی منطقی بودن و یا غیر منطقی بودن این دلایل امری است که باید پیش از «به رسمیت شناختن آن عدم توانایی یا عدم میل»، مورد اهتمام قرار گیرد. اینکه چرا آدمی گاه «مایل نیست خودش باشد»، «مایل نیست خودش را آن گونه که هست معرفی کند»، «مایل نیست نیاز ارتباطی خود را در دنیای واقعی ارضا کند» و یا گاه حس می کند «قادر نیست خود را آن گونه که هست معرفی کند» و یا «قادر نیست نیازهای ارتباطی خود را ارضا کند»، پرسش هایی است که پرداختن به آنها بسیار راهگشا خواهد بود؛ اما یک نگاه منصفانه روشن می کند که «ابتترتی کردن ارتباط» و حذف صورت این مسائل در ذهن فرد، زخم هایی را از چشم پزشکان روح و روان جوامع دور می کند که فوراً نیاز به مرهم و رسیدگی دارد.

۳۱۳

نقد و بررسی مورد ۲: در این مورد، «امکان استفاده ساده و آسان از راهیت های استعاری و غیر حقیقی» به عنوان عاملی مطرح شده است که «ایفای نقش های متنوع انسانی» عملی می سازد. از طرفی می دانیم که نقش و اثر «امکان ایفای نقش های متنوع انسانی» بر کیفیت «وابستگی های عاطفی و احساسی انسان ها» غیر قابل انکار است؛ به عبارت دقیق تر، «امکان شناخت صحیح و مطابق با واقع» به مثابه مولفه ای که موجب «فزونی» و «پایداری» عشق و عطف می گردد، با «امکان ایفای نقش های متعدد و غیر مطابق با واقع» در تراحم منطقی قرار می گیرد؛ در نتیجه اگر فرض کنیم که «ایفای نقش های متعدد» از مختصات بهره برداران مجازی باشد، «افت» فاکتورهای «فزونی» و «پایداری» عشق نیز در میان این بهره برداران غیر قابل انکار خواهد بود. از این رو در وضعیتی که سخن از آثار، پیامدها و عوامل موثر در «عشق ابتترتی» باشد، به نظر نمی رسد بتوان مسئله «امکان ایفای نقش های متعدد و هویت های گوناگون و غیر واقعی» را به عنوان عاملی که اثر مثبتی بر این نوع عشق دارد مطرح کرد.

نقد و بررسی مورد ۳: ترس به دو گونه مفید و غیر مفید دسته بندی می شود. ترسی که نتیجه آن زندگی سالم تر، رشد اجتماعی و دوری از خطرات باشد، ترسی قابل اعتنا و دارای کارکرد مثبت است، مانند ترس آدمی از تجاوز به حریم دیگران؛ بدین دلیل که ممکن است دفاع آنها از خویش به او صدمه بزند. اما ترسی که آدمی را از موقعیت های مثبت و رشد و بالندگی دور نگه دارد و درمان دردهای او را غیر ممکن سازد، ترسی بی فایده و مضر است. اگر «ترس از طرح رو در روی مسائل جنسی با دیگری»، ترسی واقعی، قابل اعتنا، ارزشمند و

دارای کاربستی مفید است، چرا «از میان برداشتن آن» به کمک وسایل ارتباطی جدید نیز مفید ارزشیابی می‌شود؟ اگر این ترس، ترسی غیر قابل اعتنا و مضر است، چرا به جای شناسایی علل آن و رفع آن علل، می‌کوشیم با فراهم آوردن فضای مجازی، بر این ترس مضر سرپوش بگذاریم؟

گونه دیگر طرح این مسئله این است که به راستی آدمی در «گفت و گوی رو در رو و شفاف با دیگران درباره مسائل جنسی» از چه چیز می‌ترسد؟ آیا عنصر «گفت و گو» ترس‌آور است؟ آیا «شفافیت و روی در روی سخن گفتن» واهمه‌زا است؟ و یا این «حیثیت خصوصی مسائل جنسی» است که ورودش به عرصه «غیر خصوصی» ترس‌آفرین است؟ این مسئله نیز قابل تأمل است که به عقیده برخی «میل به حفظ و حراست از حریم خصوصی و عدم تمایل به افشای آن»، تمایلی است که به «سرشت و نهاد آدمی» بازمی‌گردد و اتفاقاً تحریک او به افشای این امور - هر چند در ابتدا به دلیل بستر فنی جذاب و ابزارهای مدرن مورد استقبال او واقع گردد - در نهایت با امیال و خواسته‌های او در تقابل قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد این «عیان شدن آنچه از مسائل خصوصی هر انسان است»، ترس ایجاد می‌کند. آنچه باید بدان توجه کرد این است که منهای ایجاد شدن ترس (و یا ایجاد نشدن آن)، آیا «خصوصی ماندن مسائلی که در رسته مسائل خصوصی هستند»، امری ارزشمند است یا نیست؟ باید دقت کرد که تنها پس از مشخص شدن ارزش و یا عدم ارزش این مسئله است که می‌توان منهای در نظر گرفتن وجود یا عدم وجود ترس، موضوع «امکان بحث شجاعانه و بی‌واهمه پیرامون مسائل خصوصی» را امکانی «ارزشمند» و یا «غیر ارزشمند» معرفی کرد؛ بنابراین صرف اینکه ادوات ارتباط مجازی، «امکان بحث و گفت و گوی متهورانه و بی‌واهمه پیرامون مسائل خصوصی جنسی» را فراهم می‌کنند، نمی‌تواند از ارزشمندی‌های این ادوات شمرده شود.

نقد و بررسی مورد ۴: بر این مورد نقدی روشی وارد است. شک نیست که «تنهایی»، «مواجهه با یک ارتباط ناخوشایند»، «بی‌انگیزگی و خستگی» و «تنهایی» اموری هستند که دوری از آنها مطلوب هر انسان عاقلی است. همه مایلند از این موارد فاصله بگیرند و تلاش‌های خود را در جهت ایجاد این فاصله ارزیابی می‌کنند. اما دو مسئله مهم در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد:

۱. آیا «روابط اینترنتی» را می‌توان به عنوان روشی برای «ایجاد این فاصله میان آدمی و آنچه نامطلوب او است» ارزیابی کرد؟

۲. اگر پاسخ سوال ۱ مثبت است، آیا «روش برقراری رابطه اینترنتی»، در ایجاد فاصله میان آدمی و نامطلوب‌های او «روش بهینه» ای است؟ آنچه در نگاه آغازین به نظر می‌رسد این است که منحصر کردن راه‌های غلبه آدمی بر مشکلات و ناملایماتش به «یک روش به ویژه»، دلایل مشخصی می‌طلبد که مهم‌ترین آنها «جامعیت آن روش خاص» است؛ به عبارتی روش خاص پیشنهادی باید در درجه اول بسیار جامع باشد. در وهله بعد این روش منطقی باید «بهینه» باشد.

حال مسئله اینجا است که به عنوان مثال، به چه دلیل روش «ارتباط مجازی اینترنتی» در موضوع «چیرگی بر تنهایی»، روشی «جامع» و «بهینه» است؟ آیا به عنوان نمونه، فردی را که از حیث «نوع تفکر» تنها و منزوی است، می‌توان به این روش امیدوار کرد؟ و یا به عنوان نمونه‌ای دیگر، آیا انسانی را هم که دچار «دوری‌گزینی از محیط واقعی و اعتیاد به دنیای مجازی» است می‌توان با این روش از تنهایی درآورد؟ آیا امکان این وجود ندارد که «ارتباط اینترنتی»، خود موجب نوعی از «خستگی» ها و «بی‌انگیزگی» ها گردد؟ از این دسته از نامطلوب‌ها چگونه باید فاصله گرفت؟ آیا چنانچه فردی به دلیل «ارتباطات اینترنتی» دچار انواع «تنبلی» های جسمی و روحی گردد، آیا باز هم می‌توان این نوع ارتباط را در ردیف «روش‌های ایجاد فاصله میان انسان و ناملایمات او» ارزیابی کرد؟

تقد و بررسی مورد ۵: دو پیش‌فرض در طرح این مورد لحاظ شده است: اولاً اینکه «میان انسان‌های نقاط گوناگون جهان از دید ارتباطی، فاصله‌هایی موجود است» و ثانیاً اینکه «بر شدن این فاصله‌های ارتباطی امری مطلوب و ارزشمند است».

در منطقی بودن پیش‌فرض اول شک و تردیدی وجود ندارد؛ ولی پیش‌فرض دوم بدین معنا است که «از میان رفتن فاصله میان انسان‌های نقاط مختلف جهان» به خودی خود ارزشمند است. بنابراین کلیت این گزاره را نمی‌توان بدیهی دانست؛ زیرا ابتدا باید کارکرد «وجود یا عدم وجود فاصله» میان انسان‌ها را تعیین و آن را ارزشیابی کرد و سپس بر ارزشمندی یا عدم ارزشمندی «از میان رفتن این فاصله» حکم نمود. در مورد کارکرد وجود یا عدم وجود فاصله میان آدمیان نیز می‌توان به‌طور اجمال گفت که وجود فاصله گاه مفید و ارزشمند بوده و گاه نیز بالعکس، و در این مورد حکمی با اعتبار کلی نمی‌توان صادر کرد. اگر چنانچه «عدم فاصله» ای موجبات رشد و ارتقایی را فراهم آورد، آن فاصله مضر است. از طرفی نیز چنانچه «فاصله» ای سبب «عدم ضرر»ی باشد، «وجود فاصله» است که ارزشمند

خواهد بود. به طور خلاصه، امکان‌های مفید بودن «فاصله» و یا مضر بودن «رفع فاصله»، امکان‌هایی منطقی هستند که مانع ارائه گزاره‌های کلی این چنینی می‌شوند.

نقد و بررسی مورد ۶: اولاً «پیچیدگی روش‌های سنتی در مقایسه با روش‌های مدرن ارتباط»، گزاره‌ای بدیهی نیست و نیازمند اقامه شواهد و مستندات است. اگر صدور گزاره بدون اقامه مستندات و شواهد مد نظر باشد، چنین گزاره‌ای را عیناً و به سادگی می‌توان به گونه معکوس نیز بیان کرد و پیچیدگی و سختی را از خواص روش مدرن ارتباطات دانست؛ نائیا خواستگاری به شیوه سنتی به عنوان یک نمونه خاص و «رویه‌های سنتی» به عنوان یک مفهوم عام، باید مستقلاً مورد ارزشیابی قرار گیرند. طبیعتاً «پیچیدگی و سختی» یک امر، در ارزشگذاری آن نقش اصلی ایفا نمی‌کند و مسائل مفید و ارزشمند فراوانی موجودند که واجد مولفه‌های «سختی و پیچیدگی» هستند. افزون بر این، چه بسا صعب الوصول بودن خواسته‌ها و اهداف، آنچه را به دست می‌آید عزیزتر و گرامی‌تر گرداند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد حتی با فرض «پیچیدگی نسبی روش‌های سنتی در مقایسه با روش مدرن اینترنتی»، نمی‌توان این موضوع را به عنوان ضعف روش سنتی و نقطه قوت روش‌های دیگر بر آن ذکر کرد؛ ثالثاً حتی اگر بتوان با اقامه دلایل و شواهد، روش سنتی را از دید «سختی و پیچیدگی» مورد نقد قرار داد، این نقد را به سادگی نمی‌توان به عنوان «توجیه روش ارتباطی مدرن» نیز به کار برد و مولفه‌های توجیه کننده هر روش ارتباطی - که موجب مزیت نسبی آن روش بر روش‌های دیگر می‌شود - باید در درون خود آن روش باشد. به عبارتی علاوه بر ایراد نقد منطقی و مستدل بر پیچیدگی روش‌های سنتی، باید «عدم پیچیدگی و آسانی» روش ارتباط اینترنتی و مدرن را نیز به گونه مستقل و منطقی بیان داشت.

نتیجه گیری

مجموعاً به نظر می‌رسد رسمیت «گونه‌گونی و تنوع امکانات ارتباطی نوین» در انگاره‌های بشری، که معلول گستردگی و فراگیری این امکانات بوده است، به نوعی در «تعقل ورزی» های انسانی در این حوزه نیز رسوخ نموده است و اذهان قاطبه استفاده کنندگان، از بحث و کنکاش حول محور «چرایی» استفاده از امکانات ارتباطی نوین امروزی، به گمانه زنی و تدقیق در «چگونگی» ها و به دنبال آن پیش گرفتن رویه «توجیه سازی» برای چرایی استفاده گسترده و نامحدود از این امکانات سوق داده شده است. این همه در حالی است که بدون بررسی «عقل محور» و «دقیق» موضوعات بسیار مهمی چون «شرایط و لوازم بقاء و تداوم

ارتباطات عاطفی از نوع مجازی و نوین»، «امکان یابی رشد و تعالی از طریق ارتباطات عاطفی دیجیتال» و «آسیب شناسی این ارتباطات از جنبه های درونی و بیرونی» (مانند بررسی اثرات آنها بر هویت های حقیقی فردی و جمعی)، در حوزه «چرایی» جستارها عملاً با خلاء معنایی مواجه خواهیم شد.

آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که با فرض‌های «وجود»، «گسترده‌گی»، «ارزانی» و «کاربر داشتن»، که عمده‌ترین محسنات ذکر شده برای «بزارهای ارتباط عاطفی مجازی» هستند، نمی‌توان جامعه بشری را از تعقل و تفکر غیر جانبدارانه و علمی پیرامون این امکان‌ها مستغنی دانست، هر چند نفس این فرض‌ها نیز نیازمند اثبات عقلی - علمی مجزا می‌باشند و نباید به پذیرش ابتدایی آنها در بررسی‌ها اکتفا می‌نمود.

«عشق اینترنتی» به عنوان یکی از محصولات طبیعی «گسترده‌گی ارتباطات دیجیتال»، پدیده ایست که به تنهایی و مجرد از «عوامل خارجی اثر گذار بر آن» قابل مطالعه و بررسی نیست و این عوامل خارجی نیز به نوبه خود و به شکل مستقیم متأثر از جامعه و فرهنگ اجتماعی جاری آن هستند. در نتیجه «شناخت دقیق از عوامل موثر بر ارتباطات عاطفی انسان‌ها در هر جامعه» پیش نیاز بررسی اثرات و تبعات «عشق اینترنتی» در آن جامعه است.

پی‌نوشت‌ها

1. Döring, N.. Studying Online-Love and Cyber-Romance, 2002, p 26

۲. ماهنامه سیاحت غرب، سال اول، شماره 12، خرداد ۱۳۸۳، صفحه ۴۳

3. BBC - Inside Out - West Midlands, October 6, 2003 , INTERNET DATING
By Ashley Blake irect Link:

http://www.bbc.co.uk/insideout/westmidlands/series4/internet_dating.shtml

4. Are You In Cyberlove? , An Article from the-online-dating-reviews.com
Direct Link : <http://www.the-online-dating-reviews.com/cyberlove.html>

۵. به نقل از وبلاگ رستا
آدرس مستقیم مطلب:

<http://rasta661.blogfa.com/post-58.aspx>

6. Cyber Space: A New Era in Sexuality? , Alyssa Skye DirectLink:
[http://www.suite101.com/article.cfm/womens_ sexuality/61969](http://www.suite101.com/article.cfm/womens_sexuality/61969)



پروپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳. الماس‌های اشو، ص ۲۹۶.
۱۴. ساراها ۳، ص ۱۲۵.
۱۵. شهامت، ص ۸۰ - ۹۲.
۱۶. ساراها ۴، ص ۱۵.
۱۷. شهامت، ص ۴۷.
۱۸. الماس‌های اشو، ص ۱۰۵.
۱۹. همان، ص ۲۶۶.
۲۰. آفتاب در سایه، ص ۷۲.
۲۱. در عرفان اسلامی قرائت قرآن که تجلی خداوند در این جهان و نیز نماز که پلی میان حرکت خلق و ثبات خداوند است توصیه شده و در خلال اینها تمرکز بر صاحب کلام وحی و نیز معبودی که فراتر از همه شکل‌ها و صورت‌ها و مزه از هر محدودیت و کاستی است، راهگشای درک خداوند با تمام بساطت و اطلاق است.
۲۲. یک فنجان چای، ص ۴.
۲۳. الماس‌های اشو، ص ۱۳.
۲۴. همان، ص ۳۴۱.
۲۵. پیوند، ص ۱۶۲.
۲۶. امام علی ع در وصف دنیا فرمودند: سرورها مشوبه بالحزن. شادی آن با اندوه آمیخته است. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۱۹.
۲۷. شهامت، ص ۱۷۹.
۲۸. الماس‌های اشو، ص ۱۳۰.
۲۹. یک فنجان چای، ص ۴۹.
۳۰. ساراها ۴، ص ۸۹.
۳۱. خلاقیت، ص ۱۳.
۳۲. شهامت، ص ۱۲۵.
۳۳. ساراها ۴، ص ۱۰۷.
۳۴. آواز سکوت، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.
۳۵. همان، ص ۱۲۵.
۳۶. پیوند، ص ۱۳۴.
۳۷. آواز سکوت، ص ۱۳۱.
۳۸. همان، ص ۱۳۲.
۳۹. الماس‌های اشو، ص ۲۳۰.